

درچه

در فضای لندن و **یکتوریایی** **خالق «پیکی بلایندرز» به دنیای مشت‌زنی می‌رود**



همدلی | خالق سریال «پیکی بلایندرز» سریالی جدید در دنیای مشت‌زنی غیرقانونی متعلق به دوره ویکتوریایی می‌سازد. در نقل از هالیوود ریپورتر، استیون نایت خالق سریال «پیکی بلایندرز» سریالی جدید با عنوان «هزار ضربه» را با همکاری استیون گراهام برای دیزنی پلاس می‌سازد. استیون نایت و استیو گراهام که بازیگر سریال قبلی بود و در ۲ نام بسیار مشهور در تلویزیون بریتانیا هستند، این بار یک سریال اوریجینال را که در دهه ۱۸۸۰ و در دوره لندن ویکتوریایی در دنیای غیرقانونی مشت‌زنی رخ می‌دهد، می‌سازند.

این سریال که بر مبنای داستانی واقعی خلق می‌شود در دل ماجراهای جنایتکارانه لندن اتفاق می‌افتد و در ۱۲ اپیزود شکل می‌گیرد. سریال تصویرگر سرگذشت ۲ دوست صمیمی با نام هرکیا و الک است که از جامایکا آمده‌اند و در دوره خشونت‌آمیز انقلاب پساصنعتی لندن در محله «ایست اند» برای بقا مبارزه می‌کنند. هرکیا به دل ماجراهای مجرمانه و صحنه پر زرق‌وبرق بوکس کشیده شده و با رهبر باندی بدنام آشنا می‌شود و همان‌طور که مهارت‌هایش را تقویت می‌کند باید با شوگر گودسون یک بوکسور کارکشته و خطرناک مقابله کند. نقش این بوکسور را گراهام بازی می‌کند. نایت نویسنده و تهیه‌کننده اجرایی و سازنده سریال است و گراهام که اخیراً در تلویزیون در «تایم» و «کمک» بازی کرده و نامزدی بقتا را به دست آورده و در فصل ششم و آخر «پیکی بلایندرز» هم بازی کرده بود، تهیه‌کننده اجرایی این سریال هم خواهد بود. تیچر کریشنان نیز کارگردان و از تهیه‌کنندگان سریال است.

استیون نایت که نویسنده فیلمنامه «تابو» (۲۰۱۷)، «چیزهای زیبایی کثیف» (۲۰۰۲) و «قول‌های شرقی» (۲۰۰۷) می‌است، برای فیلمنامه «چیزهای زیبای کثیف» و در بخش بهترین فیلم‌نامه غیرقالتاسی نامزدی جایزه اسکار را کسب کرده است. او که در سریال جدیدش رهبری گروهی از نویسندگان را بر عهده دارد، گفت همیشه دوست داشته در تاریخ ناگفتی کاوش کند و با این سریال هم داستانی واقعاً قابل توجه را تصویر می‌کند.

پروفسور تاریخ دویید اولوسوگا، شجره‌نامه‌های آکادمیک را به این سریال افزوده است و تهیه‌کننده اجرایی هم خواهد بود.

با حضور علی فروتن و حمید گلی اجرای نمایش «کتابخورها» در تالار هنر آغاز شد

همدلی | اجرای نمایش «کتابخورها» به نوینسندگی و کارگردانی اسماعیل رحیمی سروش روز چهارشنبه دوم شهریور در تالار هنر آغاز شد. به نقل از روابط عمومی تالار هنر، نمایش «کتابخورها» که نوینسندگی و کارگردانی اسماعیل رحیمی سروش روز چهارشنبه ۲ شهریور و هم‌زمان با آغاز هفتهٔ دولت با حضور علی فروتن و حمید گلی در تالار هنر افتتاح شد.

این نمایش در بخش نمایشنامه‌نویسی بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان عنوان برگزیده و در سومین جشنواره تئاتر شهر تقدیر بهترین نمایشنامه را کسب کرده است. نمایش «کتابخورها» داستان سه مورپانه را روایت می‌کند که به همراه یک سوسک چوبخوره در قفسه کتابخانه‌ای بازی می‌کنند و کتاب‌ها را می‌خورند. با ورود عنکبوتی، دردسرها و خطرات جدی برای آن‌ها ایجاد می‌شود.

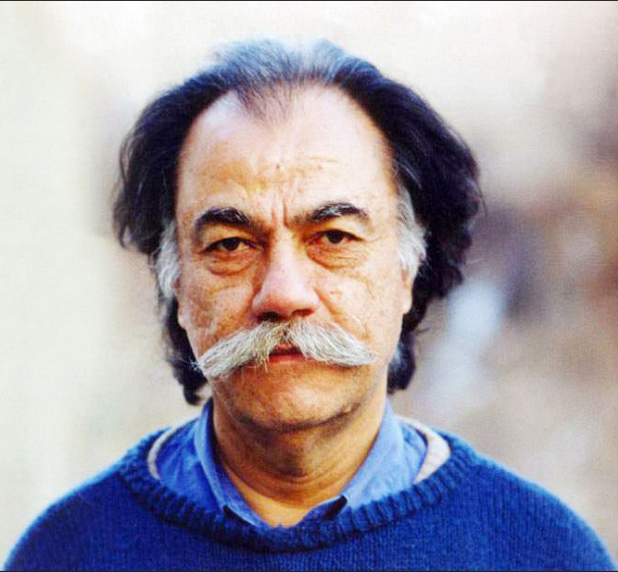
در این نمایش علی باروتی، سارا بابایی، جعفر غلامپور، مرتضی یوقپور، مهشاد حاجتی و نادیا فدکالی به ایفای نقش می‌پردازند و هادی قضات خواننده، سینیا ییلاق بیگی طراح صحنه، فرزانه عاقلی طراح لباس، حسین تیریزی و لیلا پریشان طراح گریم، احمد سیاه رستمی طراح حرکت، کیوان ضیاءپور طراح نور، سارا بابایی دستیار کارگردان و برنامه‌ریز، جعفر غلامپور دستیار دوم کارگردان حضور دارند.دیگر عوامل نمایش عبارت‌اند از: سید مصطفی طباطبایی ساخت دکور، هنگامه سازز دستیار لباس، حسین پناهی و زهرا بهرامی دوخت لباس، ریحانه مطهری و روزین ستاری روابط عمومی، روزشک کریمی امور رسانه‌ای و تبلیغات مجازی، مهسا فیروزی طراح پوستر و بورشور، صنم بابایی منشی صحنه، رضا محمدی فیروز دستیار صحنه، میلاد قاری و عاطفه ایوبی عکاس، بهار امینزاد مدیر صحنه و شهروام خطی ساخت تیزر – استودیو خطی.

نمایش «کتابخورها» تا ۲ مهر هرروز به جز شنبه‌ها ساعت ۱۹:۳۰ برای مخاطب کودک و نوجوان در تالار هنر به نشانی میدان هفت تیر، خیابان مفتوح جنوبی، خیابان وززنده، جنب ورزشگاه شهید شیرویی روی صحنه می‌رود.

فرهنگ وهنر

گفت‌وگوی همدلی با قباد شیوا درباره تأثیر مرتضی ممیز بر هنر ایران در هشتاد و ششمین زادروزش

«ممیز» کلیشه‌ها را شکست



◀ **وقتی بناست درباره زندگی هنرمندی صحبت کنیم، نمی‌توانیم زیست اجتماعی او را نادیده بگیریم. مرتضی ممیز از میانه‌های دهه ۳۰ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد که نقطه آغاز دوران حرفه‌ای او محسوب می‌شود. به اعتقاد شما، شرایط سیاسی و اجتماعی کشور در آن روزگار چه میزان بر شکل‌گیری تفکرات و اندیشه‌های مرتضی ممیز که به‌زم شما طراحی مؤلف است، اثر گذاشت؟**

مرتضی ممیز به‌صورت ذاتی هنرمند بود. من ویژگی تألفی هنرمند را ذاتی می‌دانم. به اعتقاد من، افراد نمی‌توانند به‌صورت انکسالی هنرمندی مؤلف شوند. طبیعتاً ممیز نیز بین‌مایه هنری را داشت، چون هر کجا به کار مشغول بود، تراوش ذهنی خلاقانه و اندیشه‌های خود را وارد می‌کرد. پیش‌تر نیز گفتم‌که «کتاب هفته» هفته‌نامه فوق‌العاده «کیهان» که در دو سال ابتدایی دهه ۴۰ به چاپ رسید، اتفاقی بی‌تغییر در تاریخ مطبوعات ایران بود، چراکه صحبت‌از همکاری با چهره‌هایی تکرارشدنی مانند احمد شاملو در قامت سردبیر است.مرتضی ممیز در این هفته‌نامه، تصویرسازی‌های نابلی انجام داد. همیشه گفتم‌که هم مرتضی ممیز مدیون «کتاب هفته» است و هم «کتاب هفته» باید نسبت به مرتضی ممیز احساس دین کند. یکی از دلایل مهم ویژگی‌های برجسته‌ای که سبب ماندگاری نام مرتضی ممیز در تاریخ هنر ایران شده، تأثیرگذاری عمیق او بر طراحان گرافیک بعد از خود است. حضور ممیز در «کتاب هفته» را به این دلیل متمایز می‌دانم که بعد از انتشار تصویرسازی‌های منحصربه‌فرد و تأمل‌برانگیز، او دیگر طراحان و تصویرسازان نیز ناگزیر از ارائه آثاری با تفکر و اندیشه شدند.

◀ **مهرماه سال ۱۳۷۶، انجمن طراحان گرافیک ایران» تأسیس شد؛ انجمنی که حاصل چند دهه تلاش جامعه گرافیک بود. مرتضی ممیز در نخستین شماره از خبرنامه انجمن در**

فروردین‌ماه سال ۱۳۷۷ متنی نوشت و از شش فراوان برای ایجاد مرکز همبستگی در امور حرفه‌ای سخن گفت. شما نیز در کنار مرتضی ممیز، ابراهیم حقیقی و چند تن دیگر، اعضای هیئتمدیره را تشکیل دادید. درباره روند شکل‌گیری وحال‌وهوای انجمن صحبت کنید. «انجمن طراحان گرافیک ایران» به پیشنهاد آقای مهرداد احمدی شیخانی تأسیس شد. مرتضی ممیز بسیار خوشحال شد و از پیشنهاد تأسیس انجمنی برای طراحان گرافیک استقبال کرد. همان‌طور که مرتضی ممیز در شماره اول خبرنامه انجمن نوشت، قرار بر این شد اثرژی از آقای شیخانی باشد و مشورت و جمع‌پندی از مائلاش بسیاری صورت گرفت و سعی بر این شد تمام طراحان گرافیک از پیر و جوان دهرهم جمع شوند.خوشبختانه تلاش‌ها به ثمر نشست و «انجمن طراحان گرافیک ایران»، فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. همه منتقل‌القول بر این نظر بودیم لایق‌ترین فرد برای ریاست انجمن، مرتضی ممیز است. همه نیک می‌دانستند پیشنهاد آقای شیخانی بدون استقبال و حمایت مرتضی ممیز در حد ایده‌ای روی کاغذ باقی می‌ماند و به واقعیت نمی‌پیوست. همیشه تأکید داشته‌ام باید تاریخ را بدرستی و همان‌طور که رخ داد برای آیندگان روایت کنیم.به‌خوبی خاطرم هست که مرتضی ممیز، شای بی‌من تماش گرفت و خواست ۷۰۰ هزار تومان به‌حساب انجمن واریز کنم تا بتوانیم امور مربوط را انجام دهیم و کارها را پیش ببریم. برای تهیه پول با افراد زیادی دیدار کردیم.منظور این‌است که تلاش وتعاملی همگانی صورت گرفت تا طرح آگاهی‌بخشی با مدیریت مرتضی ممیز به‌خوبی اجرایی شود.

◀ **مرتضی ممیز پایه‌گذار شیوه‌ای بدیع در گرافیک ایران بود؛ شیوه‌ای که در تمام آثارش از جمله کودک و نوجوان قابل‌مشاهده است. چرا نسل‌های بعد نتوانستند نقشی به ماندگاری او ایفا کنند؟**

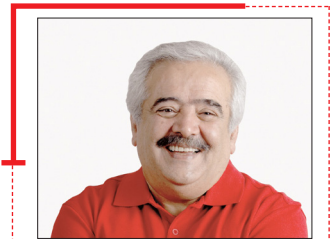
برای یک هنرمند تفاوتی ندارد که جامعه هدف او را چه طیف سنی از مخاطبان تشکیل می‌دهند؛ اینجاست که تفاوت مؤلفی به معنای واقعی هنرمند با طراحی مشخص می‌شود که صرفاً به انجام کارهای سفارشی می‌پردازد. مرتضی ممیز از آن دسته هنرمندانی بود که برای طراحی‌های مربوط به کودکان و نوجوانان نیز به‌اندازه دیگر آثارش یا حتی بیشتر از زمانی برای طراحی دیگر نشان‌واره، وقت می‌گذاشت.تأثیرگذاری عمیق او به ذهن

همدلی | **علی نامجو:** نام برخی چهره‌ها با عرصه فعالیتشان چنان گره خورده، گویی از ابتدا با یکدیگر پای به جهان هستی گذاشته‌اند. در فرهنگ و هنر کهن ایران‌زمین، نمونه‌های بسیاری را می‌توان مثال زد؛ از مولانا در شعر تا کمال‌الملک در نقاشی. وقتی صحبت از «گرافیک» به میان می‌آید، عبور از نام «مرتضی ممیز» ممکن نیست؛ طراح، گرافیک، تصویرگر و استاد دانشگاه. هر چند بزرگانی چون محمود جواد ی‌پور، هوشنگ کاظمی و صادق بربرانی، پیش‌تر زمینه‌ساز ورود گرافیک به ایران شدند، اما چه دوست داشته باشیم چه نه، این مرتضی ممیز است که به‌واسطه نوآوری‌ها و تأثیرگذاری‌های عمیقش از سوی برخی «پدر هنر گرافیک معاصر ایران» نامیده می‌شود. آثار بسیاری از او به‌جای مانده‌است؛ از تصویرسازی‌ها و طراحی کتاب‌ها تا فیلم‌های کوتاه و نشان‌واره‌هایی ماندگار. مرتضی ممیز، از دواجی هنری داشت و از زمان آشنایی با فیروزه صابری در دانشگاه، تا وقتی زور دیو سرطان به زندگی چریبد، در کنارش زندگی کرد. نشان‌واره‌های مشهوری چون لوگوهای سازمان ملی استاندارد، شرکت خودروسازی سایپا، سازمان چای کشور، شهرداری تهران و موزه رضا عباسی، تنها بخشی از جاودانه‌های به یادگار مانده از مرتضی ممیز هستند؛ هنر مندی که قباد شیوا، از طراحان هم‌دوره‌اش، او را «طراح مؤلف» خطاب می‌کند. «قباد شیوا» به پهانه زادروز «مرتضی ممیز» با ما از نقش انکارنا‌پذیر او در اعتلای هنر گرافیک سخن گفت و نقدهایی نیز به او وارد دانست؛ نقدهایی که البته زیر سایه بلند اقدامات مانا و مثبتش، کم می‌شوند. در هشتاد و ششمین سالروز میلاد مرتضی ممیز با قباد شیوا، یکی از هم‌نسلان و البته اعضای نخستین هیئت‌مدیره انجمن طراحان گرافیک ایران، به گفت‌وگو نشستیم تا روایتی متفاوت از مرتضی ممیز برای ما ارائه دهد. حاصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

استعداد، از مکتب لهستان پیروی می‌کردند. البته این مکتب، یکی از مشهورترین مکاتب جهان به شمار می‌رود، اما به‌شخصه اعتقاد دارم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران باید گرافیک ایرانی را به دانشجویان، آموزش داد. این نگاه، یکی از انتقاداتی بوده که به مرتضی ممیز وارد می‌دانم.

موضوع زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که بدانیم استاد هوشنگ کاظمی در همان روزگار کودکانی ما؛ زمانی که هیچ درکی از گرافیک نداشتیم، شاگراهای بی‌بدیل گرافیک ایرانی را خلق کرد. البته همان‌طور که قباد هم گفتم باید روایت صحیحی از تاریخ ارائه داد، به همین دلیل شرط انصاف می‌دانم به تغییر رویکرد و نگاه مرتضی ممیز در سال‌های بعد از انقلاب اشاره کنم. او بعدها تلاش کرد آثار خود را همسو با فرهنگ غنی ایرانی ارائه دهد. پیش‌تر نیز تأکید کردم هیچ انسانی از خطا و اشتباه‌بران نیست می‌توان انتقاداتی به‌حق را مطرح کرد. من نیز بر همین نکته سوار هستم و طبیعتاً انتقاداتی نسبت به عملکرد و کارنامه هنری خود نیز وارد است، اما بلور دارم همین نقدها می‌تواند به پیشرفت و اعتلای هر هنری از جمله گرافیک در جامعه بینجامد، وگرنه هیچ نوآوری و خلاقیتی پدید نخواهد آمد و ما وارد می‌شویم که مرتضی ممیز برای برن به درجه اهمیت و ارزش تأثیرگذاری یک فرد باید به بازه زمانی زندگی و فعالیت او توجه کرد. ما درباره روزگاری صحبت می‌کنیم که طراحی به معنای طراحی گرافیکی و راولویت و حتی کانون توجه قرار نداشت و صرفاً محتوای مطالب مدنظر بود.اگر به‌عنوان نشربه به «رودکی»، نشریه‌ای متعلق به «تالار رودکی» نگاه کنید و البته در مقام قیاس با اشویت‌ان آن زمان قرار دهید، می‌بینید ممیز از چه لی‌وت‌های مدرنی بهره می‌دارد. وقتی هنرمندند خود فکر می‌دهند، اقدامات گذشته طراحی‌ای که در ادامه من نیز لی‌اوت و گذشته‌ت طراحی‌ای که در ادامه من نیز لی‌اوت

◀ **باراها به نقش و تأثیر هوشنگ کاظمی در معرفی و پیشرفت گرافیک در ایران اشاره**



قباد شیوا
اعضای نخستین هیئت‌مدیره
انجمن طراحان گرافیک ایران

◀ **مرتضی ممیز تا چه اندازه متأثر از هوشنگ کاظمی بود؟**

وقتی هنری برای نخستین بار توسط فردی عرضه می‌شود، نسل‌های بعد از او نخواهد گمانند از فرد پیشگام خواهند بود. وقتی عبارت «گرافیک ایرانی» را به کار می‌بریم، اولین اسمی که به ذهن‌خطور می‌کند، نام هوشنگ کاظمی است. او در آنچه در اروپا آموخت را با خود به ایران آورد و با فرهنگ و هنر ایرانی در هم آمیخت، اما با ورود رشته گرافیک شد و همان‌طور که گفتم، آموزش‌های آکادمیک توسط مرتضی ممیز و تعدادی دیگر از استادان این رشته به‌سوی مکتب لهستان گرایش پیدا کرد.

◀ **چه اتفاقاتی رخ داد که طراحان گرافیک تصمیم به رجعت به گرافیک ایرانی بگیرند؟** درباره روندی صحبت می‌کنیم که سال‌ها طول کشید؛ تا تغییرات محسوسی را تجربه کند. هیچ تغییری یک‌شبه رخ نمی‌دهد و باید زمان زیادی سپری شود تا ادراک‌گذاری راطی کنند. این اتفاق درباره گرافیک نیز رخ داد، و عوامل مختلفی از جمله شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه‌سبب شد. بازگشتی به گرافیک ایرانی را شاهد باشیم. مرتضی ممیز نزدیک به ۷۰ سال عمر کرد و بخش ایرانی در آثار مربوط به دهه‌های پایانی زندگی او پررنگ و برجسته شد. تغییر در کارنامه هر هنرمندی دیده می‌شود، چراکه هنرمند به‌ویژه هنرمند متفکر در اندیشه، تجربه و پرسشی ناتمام قرار دارد و طبیعتاً این اتفاقات در آثارش نمود پیدا می‌کند. ولی متأسفانه این تغییرات و تجربیات در حال حاضر به آشفتنگی و هیاھو در گرافیک امروز ایران انجامیده است. جمله معروفی دارم که مخاطبان هنر گرافیک در ایران، بارها از من شنیده‌اند. همیشه گفتم‌که: «پیش سیاری از گرافیس‌تهای مدرن ایرانی به سمت غرب رفته‌اند و دگر چهره‌های برجسته هم‌عصره خود بر سرک می‌میز نمی‌نشینند، اما مرتضی ممیز واقعاً پوری از چنین خصلت‌های پاستندی بود. تلاش می‌چمداشت او برای تأسیس «انجمن طراحان گرافیک ایران»؛ گواهی بر این معاسلت؛ او از تمام طراحان گرافیک در هر سن و سال و با هر میزان تجربه‌ای دعوت کرد به اینچمن بیایند و برای پیشرفت گرافیک بکوشند. واقعاً دغدغه فرهنگ‌سرمزمنش را داشت. هیچ‌گاه به دنبال شهرت و ثروت نبود و به معنای واقعی کلمه برای ایران، دل می‌سوزاند. جای او تفکر مدرنتیته، معتقد به حرکت به‌سوی سادگی

رویداد

با خاک‌سپاری در قطعه هنرمندان مهین افشان‌پور با مهرزمان فخرامفر د همسایه شد



همدلی | پیکر مهین افشان‌پور، دوم شهریورماه با حضور دوستدارانش به سمت آرامگاه ابدی بدرقه و در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد. به نقل از روابط موسسه هنرمندان پیشکسوت، مراسم خاک‌سپاری پیکر مهین افشان‌پور نگارگر پیشکسوت و گنجینه هنر مینا پونسکو صبح چهارشنبه ۲ شهریور با حضور عباس‌اسماعیلی دبیر فرهنگستان هنر، سیددیراعلم عظیمی مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت و به نمایندگی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید عبدالمجید شریفزاده مدرس دانشگاه و رئیس سابق پژوهشکده هنرهای سنتی وزارت میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، جمعی از هنرمندان پیشکسوت و خانواده این استاد فقید در قطعه هنرمندان بهشت‌زها (س) برگزار شد و پیکر او در مزار زنده‌یاد مهرزمان فخرامفر د نگارگر برجسته و فقید کشور در خاک آرامید.سید عباس عظیمی مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت، ضمن عرض تسلیت به اهالی هنر گفت: آرزو داشتیم در این روزها حال استاد مهین افشان‌پور خوب شود و بتوانیم در موسسه میزبان او که یک چهره شاخص بین‌المللی همانطور که یونسکو او را گنجینه زنده بشری دانسته بود باشیم اما امروز اینجنا با نهایت تأسف ایستادام که به نمایندگی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به عنوان مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت درگذشت این بانوی هنرمند و چهره شاخص داخلی و خارجی را که با آثارش هنر ایرانی اسلامی را به رخ جهانیا کشید به شما تسلیت عرض کنیم.در ادامه عظیمی با اشاره به اینکه پیکر افشان‌پور در جوار مزار فخرامفر د به خاک سپرده می‌شود اضافه کرد: استاد فخرامفر د چند سال قبل مثل یک دختر بیکر احوال استاد افشان‌پور بود و با همتی که داشت باعث شد تا در موسسه بتوانیم مجموعه آثار استاد را با نام «بانوی خیال» چاپ برسائیم اما نابورانه چندی بعد از چاپ کتاب استاد فخرامفر د را از دست دادیم. و هرگز در باورمان نبود که پایانی اینچنین برای این دو هنرمند برجسته و عزیز رقم بخورد و استاد فخرامفر د نیزمان آسمانی شدن استاد افشانپور باشد.در ادامه این مراسم علیرضا اسماعیلی دبیر فرهنگستان هنر با عرض تسلیت خدمت خانواده افشانپور گفت : ضایعه درگذشت استاد افشانپور خسران بزرگی برای جامعه هنری کشور است اما میراث ارزشمندی که از او باقی‌مانده است، از جمله تربیت شاگرد و همچنین آثاری که به‌جای گذاشته‌اند اندکی از این خسران کم می‌کند. و امیدوارم شاگردان او بتوانند به‌خوبی مسیر این بانوی گرامی را ادامه دهند. سید عبدالمجید شریفزاده رئیس سابق پژوهشکده هنرهای سنتی وزارت میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و داماد استاد افشان‌پور با عرض تسلیت به اهالی هنر گفت: آثار این نگارگر برجسته در بسیاری از موزه‌های داخلی و خارجی نگهداری می‌شود و این مهم‌ترین اتفاق برای یک هنرمند است. همچنین او همیشه به شاگردانش توصیه می‌کرد که با جدیت مسیر را ادامه دهند و هرگز ناامید نشوند تا این هنر سنتی و ارزشمند کشورمان زنده نگاه داشته شود. شریفزاده با اشاره به حمایت‌های موسسه هنرمندان پیشکسوت از سرآمدان فرهنگی کشور گفت: موسسه هنرمندان پیشکسوت یک ظرفیت خوب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که اگر توسط مسئولین مورد توجه قرار گیرد می‌تواند کارهای بزرگی برای هنرمندان پیشکسوت که سرمایه‌های کشور هستند انجام دهد.در انتهای این مراسم پسر زنده‌یاد مهین افشان‌پور به نمایندگی از خانواده از همه کسانی که در دوران بیماری استاد همواره همراه او بودند و همه کسانی که با حضورشان در مراسم بدرقه این بانوی هنرمند آمده بودند قدردانی و تشکر کرد.

این طرح یکی از «artistic» (هنری)ترین حرکات ممیز در کارنامه هنری او محسوب می‌شود. وقتی صحبت از بی‌سوادی به میان می‌آید، احتمالاً نخستین تصویری که در ذهن بسیاری از مردم جامعه نقش می‌بندد، فردی است که به دلیل بی‌سوادی، توان امضا کردن را ندارد و پایه هر برگه‌ای انگشت می‌زند. هنگامی که از نهایت سادگی در آثار مرتضی ممیز سخن گفتیم، یکی از بهترین مثال‌ها و نمونه‌ها را در همین طرح می‌توان جست‌وجو کرد. او انگشتی که گویی آغشته به استامپ است را همسرش با یک مرشد قرمز طراحی کرده‌است؛ طرحی به‌غایت ساده و درعین‌حال زیبا و تأثیرگذار. پیش‌تر از مخاطب دانا و هویشار در کنار طراح دانا و هوشیار حرف زدیم، در حقیقت ممیز در اینجا به هوش مخاطب اعتماد می‌کند، مخاطبی که با اولین نگاه، بی‌سوادی و رنج‌های ناشی از آن در ذهن‌تداعی می‌شود. مرتضی ممیز با ساده‌ترین نشانه ممکن، پیامی بزرگ را به مخاطب منتقل می‌کند.

◀ **زندگی شخصی ممیز نیز با هنر پیوند داشت. او با فیروزه صابری، هنرمندی از دواج کرد که با کل‌لازه پارچاچای، نقاشی‌های آنتزی پدید می‌آورد. نکته جالب؛ شباهت‌هایی است که در آثار این دو هنرمند یافت می‌شود. به نظر شما، کدام‌یک بر دیگری اثر گذاشتند؟**

بسیار عجیب تردیدی باید بگوییم. خانم صابری از مرتضی ممیز تأثیر گرفته‌است، چراکه ممیز پیش از ازدواج نیز هنرمندی صاحب‌ایده و خلاق‌آثاری قابل‌اعتنا بود، بنابراین تأثیرگذاری از سوی خانم صابری اتفاق نیفاده‌است، اما وقتی به پرده‌های خانم صابری نگاه می‌کنیم به‌راحتی می‌توانیم تأثیرپذیری او در مرتضی ممیز را مشاهده کنیم. آثار صابری نیز سببی می‌کرد همانند همسرش، آثاری زیبا و درعین‌حال ساده خلق کند؛ همان سادگی که مرتضی ممیز به آن شپرد بود.

◀ **خاطره ماندگاری از مرتضی ممیز در دهنتان مانده‌است؟**

دوستی عمیق بین ما برقرار بود. مرتضی ممیز و همسرش، فرزندی نداشتند ولی علاقه زیادی به بچه‌های من داشتند. ممیز، باغچه‌ای در کردان داشت و مرا هم ترغیب کرد باغچه کوچکی در همان منطقه بخرم. هر زمانی تصمیم می‌گرفتم به کردان برویم، فرزندانم با ذوق و شوق می‌گفتند: «پیش عمو مرتضی می‌رویم.» او مردی مهربان بود که صادقانه و خالصانه عشق می‌ورزید.نمونه‌های بسیاری را می‌توان مثال زد که بزگان عرصه و حوزه‌ای، دچار نخوت و غرور می‌شوند یا با دیگر چهره‌های برجسته هم‌عصره خود بر سرک می‌میز نمی‌نشینند، اما مرتضی ممیز واقعاً پوری از چنین خصلت‌های پاستندی بود. تلاش می‌چمداشت او برای تأسیس «انجمن طراحان گرافیک ایران»؛ گواهی بر این معاسلت؛ او از تمام طراحان گرافیک در هر سن و سال و با هر میزان تجربه‌ای دعوت کرد به اینچمن بیایند و برای پیشرفت گرافیک بکوشند. واقعاً دغدغه فرهنگ‌سرمزمنش را داشت. هیچ‌گاه به دنبال شهرت و ثروت نبود و به معنای واقعی کلمه برای ایران، دل می‌سوزاند. جای او تا حد اسمن فرهنگ ایران‌زمین، خالی خواهد بود. ۳۴ است و روزهای پنجشنبه تعطیل است.